

بررسی ارتباط بین هویت اجتماعی و فرهنگ شهروندی در شهر تهران

سهیل سلیمیان*

۱- دانشجوی دکتری جامعه شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات و رئیس اداره هماهنگی و برنامه‌ریزی آموزشی اداره کل آموزش و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران

چکیده

توجه به فرهنگ شهروندی، رویکردی نوین است که بیشتر کشورهای توسعه یافته به آن پرداخته‌اند و نتایج مؤثر آن در توسعه پایدار، رفاه و پیشرفت‌های فرهنگی و اجتماعی، باعث شده که کشورهای در حال توسعه نیز ضرورت آن را درک کرده و زمینه توسعه آنرا فراهم آورند. با توجه به اهمیت موضوع فرهنگ شهروندی، پژوهش حاضر با استفاده از روش میدانی، تکنیک پیمایش و ابزار تحقیق پرسشنامه به دنبال بررسی ارتباط بین هویت اجتماعی و فرهنگ شهروندی در شهر تهران به عنوان هدف اصلی است. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر تهران است که تعداد ۶۰۰ نفر از آنها بر اساس فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه مورد بررسی قرار گرفته شده است. در این پژوهش به مطالعه ارتباط بین هویت ملی، هویت سیاسی، هویت فرهنگی، هویت دینی و هویت تاریخی به عنوان متغیرهای مستقل و پابندی به فرهنگ شهروندی به عنوان متغیر وابسته پرداخته شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین میزان کل هویت اجتماعی ($P= ۰/۳۳$) و ابعاد آن یعنی هویت ملی ($P= ۰/۳۲$)، هویت سیاسی ($P= ۰/۳۴$)، هویت فرهنگی ($P= ۰/۲۳$)، هویت دینی

($P=0/36$) و هویت تاریخی ($P=0/39$) با پابندی به فرهنگ شهروندی ارتباط مثبت و مستقیم وجود دارد. همچنین متغیرهای پژوهش به طور کلی توانسته‌اند به میزان $0/32$ تغییرات متغیر پابندی به فرهنگ شهروندی را تبیین معنادار کنند ($R^2=0.32$).

واژه‌های کلیدی: شهروندی، فرهنگ شهروندی، هویت اجتماعی، شهر تهران.

مقدمه و بیان مسأله

هزاره جدید در حالی آغاز شد که نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که تا سال ۲۰۵۰ میلادی، نسبت شهرنشینی در دنیا به ۶۵ درصد خواهد رسید. زندگی به شیوه شهری بر نحوه برقراری ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و منطقه‌ای که در آن سکونت دارند، تأثیر گذار است. در چنین شرایطی، اگر شهرنشینان به کمک دولت‌ها و حکومت‌ها نیامده و در حیات مدنی جامعه دخیل نگردند، خطر تمرکز امور، دور شدن از دموکراسی، کاهش کارآیی، افزایش هزینه‌ها، یکسان‌سازی امور و کاهش خلاقیت و طراوت در زندگی شهری، به وجود خواهد آمد.

مفهوم شهروندی را می‌توان در مجموع جزء مفاهیم جدیدی دانست که با زندگی برخاسته از تجدد و فرهنگ انسان اجتماعی در هم آمیخته است. شهروندی ارتباط بسیار وسیعی با مفاهیمی چون جامعه مدنی، دموکراسی و حاکمیت خوب دارد. جامعه مدنی و تحقق نهادهای مدنی، در مجموع تجربه عقلانی و موفق بشری است که منجر به مشارکت قانون‌مند و توسعه سیاسی - اجتماعی شده و در نتیجه، زمینه پیشرفت در حوزه اقتصاد و فرهنگ و تمدن را برای جوامع به وجود آورده است (شیانی، ۱۳۸۱: ۲۰).

شهروندی یکی از مهمترین عرصه‌های سیاسی - اجتماعی است که در طول تاریخ به اشکال گوناگون و با تعابیر مختلف حقوقی، سیاسی، اجتماعی و فلسفی رواج داشته است. صاحب نظرانی که به قصد بررسی چگونگی تحول مفهوم شهروندی کتاب تاریخ را ورق زده‌اند، در یک نکته اتفاق نظر دارند، و آن اینکه شهروندی موقعیتی است که هم حق افراد را برای برخورداری از حقوق به رسمیت می‌شناسند، و هم مسئولیت جمعی شهروندان را که اداره با ثبات امور بر آن‌ها مبتنی است (شیانی و داودوندی، ۱۳۸۹: ۳۶).

پدیده شهروندی از جمله پدیده‌هایی است که در عصر تحولات سیاسی - اجتماعی در جهان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. ارائه نظریه‌ها و گفتمان‌های روز افزون از سوی جامعه شناسان، فیلسوفان سیاسی و حقوقدانان، در زمینه حقوق شهروندی، نشان دهنده نیاز دنیای مدرن امروز، به ساز و کار چگونگی اجرای حقوق شهروندی در سطح جوامع است (احمدی، ۱۳۸۴: ۹۱).

امروزه مفهوم شهروندی با مفهوم و نگرش آن در گذشته بسیار متفاوت است و حقوق شهروندی دارای حوزه‌های مختلفی است. چنانچه در کنار حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی، حتی نیز به نام حقوق فرهنگی وجود دارد. از این رو، شهروندی فرهنگی در یک بیان واضح ناظر به تأمین حقوق فرهنگی شهروندان است (فرجی، ۱۳۸۹: ۴۸۸).

بنابراین امروزه دیگر بحث از شهروندی محض نیست و فرهنگ شهروندی نیز مورد توجه قرار دارد. فرهنگ شهروندی متأثر از سازهای انسان ساخت و جمعی است که الزاماتی را در قالب ارزش‌ها و هنجارها به زندگی انسانی وارد ساخته است، این الزامات اگرچه در طول تاریخ یکسان نبوده‌اند، ولی سیر تاریخی مفهوم فرهنگ شهروندی نشان دهنده ی وابستگی معنا و مصداق فرهنگ به ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهروندی بوده است (شاه طالبی و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۹). فرهنگ شهروندی در قالب ارزش‌ها و هنجارهایی که بیانگر سبک زندگی و شکل دهنده ی تعاملات انسانی در بافت نوین زندگی جمعی و روی هم رفته، قابلیت‌های اکتسابی است، تعریف می شود (فاطمی نیا، ۱۳۸۶).

از جمله عوامل مرتبط با فرهنگ شهروندی هویت افراد می‌باشد. در رویکرد جامعه شناختی به هویت، بیشتر بر مفهوم رفتار مبتنی بر نقش تأکید می شود که مفهوم هویت، از تعامل میان یادگیری نقش اجتماعی و تجربه شخصی برمی خیزد و فرآیندی است که در آن شخص با جامعه در سطح وسیعی از معنای هویت، جهت احراز و به رسمیت شناخته شدن، به مذاکره می پردازد که در مرحله بعد، این گفتگوها بین گروهی می شود. از دیدگاه تاجفل (۱۹۷۹)، افراد در درون گروه‌ها مبتنی بر هویت فردی خود رفتار می کنند که هم زمان فرآیند انطباق با نگرش گروه (هویت یابی) نیز در جریان است. بر اساس نظریه هویت اجتماعی آنگاه که هویت گروه‌ها و اجتماعات غالب شود، راه و رسم و روش‌های فردی محدود شده و هویت

فرد تحت تأثیر هویت گروه یا اجتماع تضعیف می گردد و احتمال جستجو و یا مذاکره برای برجسته کردن هویت فردی با مشکل مواجه می شود. آنچه اهمیت دارد این است که در موارد غیراضطراری، لازم است تعامل یا دیالکتیک هویت در جامعه یا در بین گروه‌ها جریان داشته و فرآیند هویت یابی برقرار گردد تا پویایی جامعه حفظ شود. در فرآیند هویت یابی و در شرایط پویای جامعه، انسانها تابع یک هویت واحد نبوده، بلکه هم زمان دارای هویت‌های متعدد مذهبی، قومی، طبقاتی و ... هستند که از آن به عنوان هویت چهل تکه نام برده می شود (شایگان، ۱۳۸۰؛ به نقل از نیازی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۳). با وجودی که این هویت‌ها به فرد بازمی گردد اما جنبه اجتماعی دارند و بنابراین، ثابت نبوده و در طول زمان دستخوش تغییر می شوند که در فضاهای شهری این تعدد و در هم آمیختگی هویت‌ها به وضوح قابل مشاهده است (تاجبخش، ۱۳۸۷؛ به نقل از نیازی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۳).

بر این مبنا، احساس تعلق به یک جامعه نتیجه عناصر عینی و ذهنی تشکیل دهنده هویت فرد است که با ارجاع به مفهوم و می توان «شهروندی» مؤلفه‌های آن را شناسایی کرد. بنابراین با توجه به توضیحات داده شده بررسی تأثیر گرایش‌های هویتی بر پابندی به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان مسأله‌ای مهم است و در همین راستا پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی می‌باشد که آیا بین هویت اجتماعی و پابندی به فرهنگ شهروندی در شهر تهران ارتباط وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

مهدوی و عاشوری (۱۳۹۳) پژوهشی را با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر ارتقاء فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهر بوشهر)» به انجام رساندند. این پژوهش با روش پیمایش و با استفاده از تکنیک پرسشنامه بر روی ۴۵۸ نفر از شهروندان شهر بوشهر انجام شد. نتایج بدست آمده حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که متغیرهای آگاهی از حقوق شهروندی، آگاهی از رویدادها و مناسبات داخلی و خارجی، مسوولیت پذیری و رسانه بر ارتقای فرهنگ شهروندی تأثیر دارند همچنین متغیرهای قانون مداری، منافع جمعی، عام

گرایی، دسترسی به مراکز فرهنگی، درآمد و مسکن رابطه معنی داری را با متغیر وابسته نشان ندادند.

هاشمیان فر و عجمی (۱۳۹۱) مقاله‌ای را با عنوان «بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه ای شهر اصفهان» به انجام رساندند. روش تحقیق در این پژوهش کمی و از نوع پیمایشی بوده و از ابزار پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل ساکنان بافت حاشیه شهر اصفهان بود و نمونه آماری این تحقیق ۴۰۰ نفر به روش نمونه گیری سهمیه ای انتخاب شدند. نتایج به دست آمده از آزمون متغیرهای زمینه ای به غیر از (جنس، وضعیت تاهل، مدت اقامت، تحصیلات) نشان می دهد که بین متغیر علت مهاجرت و نوع شغل با فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه رابطه وجود دارد. همچنین نتایج به دست آمده از آزمون متغیرهای مستقل با متغیر وابسته با توجه به مقادیر پی جدول و نسبت‌های بحرانی نشان از معنادار بودن ارتباط متغیرهای مستقل با متغیر وابسته پژوهش بود. نتایج به دست آمده از مدل سازی معادله ساختاری پژوهش نشان می دهد که متغیر مشارکت اجتماعی با ضریب تاثیر ۹۹ درصد بیشترین تاثیر را بر فرهنگ شهروندی افراد بافت حاشیه اصفهان داراست.

رضایی و دیگران (۱۳۹۰) مقاله‌ای را با عنوان «بررسی اثر فرهنگ اسلامی بر رفتار شهروندی سازمانی مورد کاوی دفاتر پلیس +۱۰ شهر تهران» به انجام رساندند. در این مقاله که با روش توصیفی انجام شده است، با استفاده از مفاهیم فرهنگ و تلفیق آن با مفاهیم اسلامی، دیدگاهی نو و بومی از فرهنگ اسلامی ارائه شده تا ضمن بررسی و مشاهده کارکرد فرهنگ اسلامی بر رفتار شهروندی سازمانی، ابعاد آن نیز به کمک رگرسیون خطی و تکنیک مدل معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گیرد. نتایج این تحقیق، علاوه بر شناسایی جایگاه فرهنگ اسلامی در سازمان به عنوان یکی از ابعاد فرهنگی حاکم بر جامعه، سعی دارد تا زمینه به کارگیری آن را در ایجاد و ارتقاء رفتار شهروندی سازمانی مورد توجه قرار دهد.

محمدی و دیگران (۱۳۸۹) پژوهشی را با عنوان «عوامل مرتبط با هویت شهروندی در شهر تهران» به انجام رساندند. این پژوهش با روش پیمایش مقطعی - عرضی بوده و جامعه آماری ساکنان ۱۵ سال به بالای شهر تهران می باشند که نمونه معرفی با تعداد ۴۵۰ نفر را در ۳۰ محله بالا و پایین و متوسط از ۱۰ منطقه شهرداری تهران با ابزار پرسش نامه مورد بررسی قرار گرفته

شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که هویت شهروندی در ۸۰٫۶ درصد پاسخ‌گویان نمونه مورد مطالعه ضعیف و متوسط است (حدود ۲۱ درصد نمونه مورد بررسی ضعیف، ۵۹ درصد متوسط) و در مجموع می‌توان گفت در شکل غالب، هویت شهروندی متوسط است. در میان ابعاد هویت شهروندی؛ ارزیابی از هنجارهای دموکراتیک، تعهد مدنی و برخورداری از حقوق شهروندی به ترتیب پایین‌ترین مقادیر را در بین پاسخ‌گویان دارند (به ترتیب با متوسط ۳۴٫۸٪، ۳۶٫۸۶٪ و ۳۷٫۷۲٪). در تحلیل‌های چند متغیری، مدل منتخب این تحقیق با حضور چهار متغیر اعتماد اجتماعی، احساس تعلق، هویت فردی و هویت جمعی می‌تواند ۳۸٫۳٪ واریانس متغیر وابسته را تبیین کند.

شاه طالبی و دیگران (۱۳۸۹) پژوهشی را با عنوان «تدوین مولفه‌های فرهنگ شهروندی در حیطه‌های هویت ملی و جهانی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی» به انجام رساندند. جامعه آماری پژوهش مشتمل بر کلیه اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی منطقه ۴ و دانشگاه‌های دولتی یزد، اصفهان، تهران، مشهد و شیراز در رشته‌های علوم تربیتی، جامعه‌شناسی و روانشناسی بالغ بر ۲۸۳ نفر بوده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بعد هویت ملی دارای ۲۰ زیر مولفه است که از این میان «ارزش‌گذاری به میراث فرهنگی» با بار عاملی ۰٫۸۱، بیشترین ضریب و مولفه «استفاده از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های فارسی» با بار عاملی ۰٫۳۴، کمترین مقدار را به خود اختصاص داده است. در بعد هویت جهانی بیشترین بار عاملی مربوط به مولفه «آگاهی از نقش خود به عنوان شهروند جامعه جهانی» با بار عاملی ۰٫۷۱، و کمترین بار عاملی مربوط به مولفه «توانایی ارزیابی و نقد مسائل محیطی جهانی» با بار عاملی ۰٫۳۴، بوده است. در بعد هویت ملی و هویت جهانی بین نظرات پاسخگویان با توجه به رشته تخصصی تفاوت وجود داشت. در بعد هویت ملی میانگین پاسخگویان با رشته جامعه‌شناسی در مقایسه با روان‌شناسی بالاتر است. همچنین میانگین نظرات پاسخگویان با رشته علوم تربیتی بالاتر از روان‌شناسی است. در بعد هویت جهانی میانگین روان‌شناسی بالاتر از جامعه‌شناسی و علوم تربیتی بالاتر از جامعه‌شناسی بوده است ولی در سایر ابعاد جمعیت شناختی بین نظرات پاسخگویان تفاوتی مشاهده نگردید.

مطالعات میدلتون (۲۰۱۱) نشان داده است که نیاز ضروری شهروندان فراگرفتن مهارت‌هایی برای شهروندی از قبیل توانایی گفت و گو، برنامه ریزی مالی، انتخاب صحیح، مهارت‌های استفاده از رسانه‌های جمعی، به دست آوردن سرمایه، انتخاب همسر متعهد به جامعه، استفاده از فناوری به عنوان یک فعالیت گروهی، استفاده از اینترنت برای یک فعالیت گروهی، استفاده از اینترنت برای یک فعالیت شهروندی، مسئولیت در برابر توسعه، مشورت در انتخاب کار، تبلیغات و بازاریابی است.

لی (۱۹۹۹) تحقیقی را در سطح آسیا انجام داد و ویژگی‌های زیر را برای شهروند خوب بودن لازم دانست: آگاهی از مسائل و مشکلات جامعه، مشارکت فعال در امور جامعه، مسئولیت‌پذیری، رفتار مبتنی بر اخلاق، پذیرش انتقاد، توانایی انتقاد، توانایی تصمیم‌گیری آگاهانه، آگاهی از حکومت و دولت، حس وطن پرستی، پذیرش مسئولیت خانواده، آگاهی و دانش نسبت به جامعه جهانی، احترام به تنوع و تکرر فرهنگی.

مبانی نظری

نظریه‌های فرهنگ شهروندی

ماکس وبر شهروندی را به لحاظ تاریخی با رشد دولت-شهرهای یونان باستان در ارتباط می‌داند. جایی که فضایی عمومی برای ارتباط آزاد و عقلانی میان کنشگران اجتماعی فراهم می‌ساخت مفهوم شهر و تکامل تاریخی هرم‌های مستقل در تکوین نوعی تفکر تلفیقی در مورد آزادی، فردیت، مدنیت نقش حیاتی داشته است. وی این مشخصه را منحصر به غرب می‌دانست (ذکایی، ۱۳۸۰: ۶۹).

از نظر وبر، شهروندی در شهرها شکل گرفته است و در حقیقت وابسته به مصلحت‌اندیشی و تدابیری بود که شهر به عنوان یک اتحادیه‌ی ایستایی و آیین جمعی که اعضای آن براساس مالکیت زمین شهری و برخورداری از امور، وظایف و امتیازات ویژه معین می‌شدند، متعهد به در نظر گرفتن آنها بود. از نظر او شهروند بودن به معنای توانایی مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، تنظیم سیاست‌ها و نیز شرکت داشتن در انتخاب رهبران بود و امتیازات ویژه آنها شامل حق شهروندی به انضمام انحصارات بازار، حقوق تجارت آزاد، جواز مبادله و حق کاهش داد

و ستد رقابت آمیز، مشارکت در امور قضایی و موقعیت‌های ویژه برای مقاصد چون اهداف نظامی بود. از نظر حقوق اقتصادی مهم ترین امتیازات مدنی در قالب حقوق صوری به معنای حق داشتن انجمن‌های نیمه آزاد شهروندان نبود، بلکه ضامن مالکیت اربابی شهر به شمار آمد (هزارجریبی و امانیان، ۱۳۹۰: ۷).

برایان ترنر و جنیفر ریدن معتقدند که شهروندی از یک سو بیان گر مجموعه ای از حقوق و تعهدات جهان شمول است که برای تمام اعضای یک ملت قابل حصولند و از سوی دیگر مستلزم توسعه دموکراسی و مشارکت گروه‌های متنوع فرهنگی در تصمیم گیری‌ها است.

از نظر ترنر، توسعه مفهوم شهروندی ترکیبی است از:

۱. نگاه محافظه کارانه به شهروندی (ماهیت منفعل شهروندی، با تأکید بر توسعه از بالا به پایین، منزوی از جامعه مدنی، و انجام عمده کارها، حتی امور مربوط به بخش خصوصی) توسط دولت؛

۲. دیدگاه انقلابی به شهروندی (ماهیت فعال شهروندی، با تأکید بر توسعه از پایین به بالا، مانند سازمان‌های مشارکتی محلی در عرصه عمومی و جوامع مدنی) (پورعزت و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲-۱۱).

ژانوسکی (۱۹۹۸) شهروندی را عضویت فعال افراد در قلمرو دولت - ملت دانسته که به موجب آن شهروندان از حقوق و تعهدات برابر برخوردارند. وی به بعد حقوقی شهروندی توجه بیشتری داشته است. به نظر ژانوسکی، حقوق شهروندی حقوقی هستند که گروه‌های مختلف از آن‌ها حمایت می‌کنند و توسط دولت تثبیت و تأیید می‌شوند و دارای ضمانت اجرایی‌اند.

پارسونز شهروندی را نتیجه توسعه مدرنیته و دموکراتیک شدن جوامع می‌داند. او شهروندی را به سه مقوله کردار اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی پیوند می‌دهد و شهروندی را با این سه مقوله کلیدی دارای نوعی احساس تعلق می‌داند که در نهایت به انسجام اجتماعی منجر می‌شود. به زعم وی گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تأکید دارند و دیدی خاص گرایانه دارند، خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق ندادده‌اند و درکی از شهروندی ندارند (حسام، ۱۳۸۱: ۱۱). یک شهروندی کامل به دور از

هرگونه تبعیض اجتماعی به معنای برخورداری همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی آنان از حقوق خود است (شیانی و داودوندی، ۱۳۸۹: ۴۲).

در نظرها بر ماس (به طور خاص) و در اندیشه سیاسی اجتماعی معاصر به طور عام این حوزه نوپدید به عنوان «حوزه عمومی» و «جامعه مدنی» مطرح شده است. از نظر وی دریافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد نقش شهروندی پیدا می‌کنند. در نقش شهروندی فرد، به عنوان عضو تمام جامعه خود می‌گردد و شأن حقوقی ویژه ای دارد. حوزه عمومی عرصه ای است که در آن فرد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند. در چنین حوزه ای اصول برابری و امکان دسترسی اصولی غیر قابل حذف هستند. حوزه ی عمومی برخلاف نهادهایی که تحت سلطه خارجی قرار دارند یا دارای روابط قدرت درونی هستند، از اصول مشارکت و نظام دموکراتیک نوید می‌دهد. در چنین حوزه ای نتیجه و پیامد گفتگو مهم نیست، بلکه مهم این است که روند گفتگو و عقلانیت حاکم بر آن دموکراتیک باشد. بر همین مبنا وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آنرا به گونه‌های مختلف تحلیل کرده است و دسترسی برابر به حقوق مشارکتی را مورد توجه بیشتر قرار می‌دهد. اعضای جامعه با توجه به توانایی تغییر حیات اجتماعی خود، دریافت حوزه ی عمومی به ایفای نقش شهروندی خواهند پرداخت که پیش شرط ظهور آن تعدد و تکثر در اشکال زندگی، ارتباطات عمومی و مسئولیت شهروندی است (شیانی، ۱۳۸۱).

گی ارمه معتقد است که فرهنگ شهروندی دارای سه ویژگی است. اولین ویژگی این است که شهروندی باید از پیش بر یک الفبای مقدماتی، یعنی بر اساس شناخت‌های حداقل از تاریخ و محیط پی ریزی شود. به عبارت دیگر، شهروند باید قادر شود تا به سوی بیرون بنگرد، پنجره را بگشاید، در انزوا زندگی نکند و فقط با همسایگان نزدیک خود به معاشرت نپردازد. دومین ویژگی کلی فرهنگ شهروندی، تحصیل قواعد سلوک دموکراتیک حقیقی، چه از لحاظ رفتار و چه از نظر ارزشهای اخلاقی است. شهروند نه تنها باید به حقوق خود بلکه باید به وظایف خود نیز آگاه باشد. ویژگی سوم که اهمیت بنیادی نیز دارد، سطح اخلاق مدنی است که ناشی از همان وحدت و اهمیت دو ویژگی قبلی است و نوعی ویژگی تکلیف مدارانه است. در

جامعه ای که به نظر پوپر دموکراتیک است و کثرتگرایی و آزادی حاکم می باشد، اخلاق مدنی بیشتر با جامعه سازگاری دارد (ارمه، ۱۳۷۶: ۱۷۲-۱۷۱).

نظریه‌های هویت اجتماعی

امیل دورکیم^۱ دو تیپ ایده آل برای جوامع متصور بود: یکی جوامع ابتدایی که دارای همبستگی مکانیکی بوده، ساختارهای اجتماعی آن‌ها به نسبت کمتر، تفکیک شده‌اند و تقسیم کار در آن‌ها یا وجود ندارد یا بسیار اندک است. وی دریافته بود که در این نوع جوامع، انسجام اجتماعی بر اساس همانندی‌ها و شباهت‌های موجود بین افراد یک جامعه و عمدتاً وابسته به مراسم و جریان‌های عادی مشترک است. از نظر دورکیم، جوامع ابتدایی به دلیل نبود پیشرفت تکنولوژیکی در آن‌ها، دارای ویژگی همبستگی مکانیکی اند، تکنولوژی، تخصصی شدن را ایجاد می کند که این تخصصی شدن منجر به شکل گیری تقسیم کار در جامعه می شود که این تقسیم کار هم موجب تیپ دوم جامعه‌ی مورد نظر دورکیم، یعنی جوامع مدرن می باشد که مشخصه‌ی آن‌ها همبستگی ارگانیک می باشد. در این جوامع، با [توجه به] اینکه ارزشها و اولویت‌های افراد با یکدیگر متفاوت است، بقای جامعه به اعتماد افراد به یکدیگر در انجام دادن وظایف خاص شان بستگی دارد. در جوامع مدرن با همبستگی ارگانیکی، دقیقاً به این دلیل که افراد با هم تفاوت دارند، اجماع صورت می گیرد، به این دلیل که استفاده متقابل از خدمات همدیگر سبب همبستگی اجتماعی بین آن‌ها می شود (دیلینی، ۱۳۹۰: ۱۴۶-۱۴۴).

از نظر کاستلز^۲ هویت سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است [...] اصطلاح هویت در صورتی که سخن از کنشگران اجتماعی باشد، عبارت است از فرایند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می شوند. هویت منبع معنا برای خود کنشگران است و به دست خود آن‌ها از رهگذر فرایند فردیت بخشیدن، ساخته می شود. با این حال ممکن است هویت‌ها از نهادهای مسلط نیز ناشی شوند، اما حتی در این صورت نیز فقط هنگامی هویت خواهند بود که

1 . Emile Durkheim

2 . Castells

کشگران اجتماعی آن‌ها را درونی کنند و معنای آن را حول این درونی سازی بیافرینند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۲).

کاستلز معتقد است که ساختن اجتماعی هویت همواره در بستر روابط قدرت صورت می‌پذیرد و بین سه صورت و منشأ هویت تمایز قائل می‌شود: هویت مشروعیت بخش، هویت مقاومت، هویت برنامه دار (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۲).

قضیه اساسی که نشان دهنده تفکر جامعه شناختی جورج هربرت مید^۱ است، چنین است «جامعه‌ی انسانی، آنچنان که آن را می‌شناسیم، نمی‌تواند بدون ذهن‌ها و خودها وجود داشته است، زیرا اختصاصی‌ترین سیمای‌های جامعه‌ی انسانی، داشتن ذهن‌ها و خودها به وسیله‌ی اعضای فردی‌اش را در نظر می‌گیرد (بلومر، ۱۳۷۳: ۱۷۳). بنابراین ملاحظه می‌شود که یکی از مفاهیم اساسی در تفکر مید، مفهوم خود است، و کاربرد مفهوم خود توسط مید در مقایسه با کاربرد این واژه در حوزه‌های دیگر، که به وجود محض چیزی یا نوع ویژه‌ای ارجاع داده می‌شود، تفاوت ماهوی دارد، مفهومی که مید از خود ارائه می‌دهد، مفهوم هویت را که در اساس مقوله‌ای اجتماعی است تداعی می‌کند.

تاجفل^۲ یکی از نظریه‌پردازان هویت اجتماعی است که در سال ۱۹۷۸ نظریه هویت اجتماعی خود را مطرح کرده است. تاجفل هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می‌زند و عضویت گروهی را متشکل از سه عنصر می‌داند: عنصر شناختی (آگاهی از اینکه فرد به یک گروه تعلق دارد)، عنصر ارزشی (فرض‌هایی در مورد پیامدهای ارزشی مثبت و منفی عضویت گروهی) و عنصر احساسی (احساسات نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه‌ای خاص با آن گروه دارند). براین اساس هویت اجتماعی از نظر تاجفل عبارتست از آن بخش از برداشت‌های یک فرد از خود که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه‌های اجتماعی، همراه با اهمیت ارزشی آن عضویت سرچشمه می‌گیرد (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۲۲۳). اساس نظریه‌ی تاجفل توجه به جنبه‌هایی از هویت است که از عضویت گروهی ناشی می‌شود. به نظر

1 George Herbert Mead

2 Tajfl

وی، اجتماع از افرادی تشکیل شده است که با هم و بر اساس پایگاه و قدرت‌شان رابطه دارند و ساختار این ارتباط گروهی برای شکل‌بندی هویت دارای اهمیت است.

به نظر آنتونی گیدنز^۱ هویت عبارت است از خود‌آنطوری که شخص از خودش تعریف می‌کند. انسان از طریق کنش متقابل با دیگران است که هویتش را ایجاد می‌کند و در جریان زندگی پیوسته آن را تغییر می‌دهد؛ هویت امر پایداری نیست، بلکه یک پدیده پویا و سیال و همواره در حال ایجاد شد و نوسازی است (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۱)؛ وی می‌گوید «نیروی اساسی اغلب کنش‌ها (در جامعه جدید) مجموعه‌ای ناآگاهانه برای کسب احساس اعتماد در کنش-متقابل با دیگران است» به اعتقاد او، یکی از نیروهای پراکنده و موتور حرکتی کنش نیاز به رسیدن به امنیت هستی‌شناختی (یا حس اعتماد) است. چون انسان‌ها میل دارند در روابط اجتماعی از میزان اضطراب خود بکاهند، این فرایند ناآگاهانه قبل از مکانیزم زبان‌آموزی و آگاهی قطعی بوجود می‌آید و منشأ کنش است و به همین دلیل سیال و پویاست (ایمان و کیدقان، ۱۳۸۲: ۸۷). گیدنز معتقد است که خود یک امر منفعل نیست که فقط از طریق تأثیرات درونی شکل بگیرد، افراد ضمن اینکه اقدام به ساختن و پرداختن هویت شخصی خویش می‌کنند به علاوه در ایجاد بعضی از تأثیرات اجتماعی دنیای اطراف خود مشارکت دارند در نتیجه افراد با انتخاب‌های متعددی روبرو می‌شوند که جوامع امروزی در پیش روی آنها قرار داده است و این وضعیت سبب می‌شود که افراد در تشکیل هویت خود دارای تنوع و گوناگونی مراجع هویت‌ساز باشند. گیدنز بر این باور است که تغییر شکل هویت شخصی و پدیده جهانی شدن در دوران متأخر دو قطب دیالکتیک محلی و جهانی را تشکیل می‌دهند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۵۶)؛

گیدنز گفته است که گاهی برای نشان دادن هویت خاصی، بدن و اعمال خود را جوری تنظیم می‌کنیم و کنش‌هایی انجام می‌دهیم که تفسیر آنها در نظر دیگران، آن طوری که ما می‌خواهیم باشد. در دنیای مدرن، این رفتارها و کنش‌ها تحت تأثیر محیطی است که در آن قرار می‌گیریم و باید این آمادگی را داشته باشیم که رفتار و کنش‌های خود را با محیط سازگار کنیم (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۴۵-۱۴۴). در واقع گیدنز بین هویت واقعی و هویتی که فرد از خود

1 Anthony Giddens

نشان می‌دهد تفاوت قائل می‌شود. همچنین آنتونی گیدنز می‌گوید: «هویت» منبع معنا برای کنشگران است. انسان با احساس عدم هویت، احساس عدم امنیت هم خواهد داشت. احساس امنیت برای آدمی به قدری ضرورت دارد که برای تأمین آن، چه بسا حاضر باشد به آزادی هم پشت پا بزند» (علیخانی، ۱۳۸۶: ۴۲). گیدنز هویت شخصی را باید خلق نمود و تقریباً بطور مداوم آن را با توجه به تجربیات متناقض زندگی روزمره و گرایش‌های تطمیع‌کننده نهادهای امروزی مورد تنظیم و تجربه قرار داد (ایمان و کیدقان، ۱۳۸۲: ۸۷).

پیر بوردیو^۱ با نقد دیدگاه‌های تقلیل‌گرایانه، کنش یا کردار انسان را با ترکیبی از عوامل سطح خرد و کلان تبیین می‌کند. وی، در سطح کلان به ساختارها یا حوزه‌های تعاملاتی اشاره دارد که هرکس بر حسب میزان سرمایه کلی (مجموع دو نوع سرمایه اقتصادی و فرهنگی) و بر اساس ساختار سرمایه (برحسب وزن نسبی انواع مختلف سرمایه اقتصادی و فرهنگی که در مجموع کل دارایی دارد)، در میدان اجتماعی توزیع و جایگاه و پایگاه اجتماعی پیدا می‌کند و در جوار کسانی جای می‌گیرد که از لحاظ سرمایه کلی با او مشابه هستند. افراد دارای پایگاه مشابه و تعاملات مشترک از عادت‌واره و الگوی کنشی نسبتاً همسو و هماهنگی برخوردارند. بوردیو، در خلال بحث از عادت‌واره و تفکیک و تقسیم‌بندی آن به عادت‌واره فردی و طبقه‌ای، موضوع هویت فردی و جمعی را نیز مورد توجه قرار داده است. عادت‌واره فردی، از فردیت ارگانیک و ادراکات بلافصل شخص و هویت فردی جدایی‌ناپذیر است و عادت‌واره طبقه‌ای که از موقعیت اجتماعی-اقتصادی و جایگاه عاملان اجتماعی در ساختارها و میدان‌های تعاملاتی نشأت می‌گیرد، هویت‌های جمعی مشترک را پدید می‌آورد. عادت‌واره طبقه‌ای، در سبک زندگی افراد متعلق به گروه‌ها و طبقات مختلف به گونه‌ای نمود می‌یابد که از سائقه غذایی تا سلائق زیبایی‌شناختی و نگرش‌های سیاسی آنها را جهت می‌بخشد (بوردیو، ۱۹۸۴، به نقل از عبدالهی و قادرزاده، ۱۳۸۸: ۷).

ریچارد جنکینز^۲ معتقد است هویت اجتماعی دستاوردی عملی، یعنی یک فرایند است که می‌توان آن را با به کار گرفتن کنش متقابل درونی و برونی فهم کرد. از نظر جنکینز هویت‌های

1 Pierre Bourdieu

2 Richard Jenkins

اولیه مانند - خویشتنی، انسان بودن، جنسیت، خویشاوندی و قومیت و... در قیاس با سایر هویت-های اجتماعی از استحکام بیشتری برخوردار هستند، همچنین گروه خویشاوندی منبعی آشکار برای هویت کنشگر اجتماعی است که از استحکام بالایی برخوردار است. زمان و مکان نیز به عنوان منابع ساخته شدن هویت در صحنه‌ی اجتماع دارای اهمیت کانونی هستند، چرا که شناسایی یک چیز به معنای آن است که آن را در زمان و مکان جای دهیم. نهادها به عنوان الگوهای جاافتاده عمل و همچنین سازمان‌ها به عنوان نمود رده بندی‌های اجتماعی، از جمله حیطه‌های مهمی هستند که در چارچوب آنها تعیین هویت اهمیت پیدا می‌کند. هویت‌های اجتماعی توسط اشخاص کسب و مطالبه می‌شوند و در چارچوب مناسبت‌های قدرت به آنها تخصیص داده می‌شوند (جنکینز، ۱۳۹۱: ۴۲-۳۶).

چارچوب نظری (نظریه‌های ارتباط بین هویت و فرهنگ شهروندی)

در سنت اجتماع‌گرایی افراد به لحاظ اخلاقی و منطقی بر اجتماع اولویت ندارند، چرا که بسیاری از نام و نشانهای خود را از اجتماع کسب کرده، در اجتماع پرورش می‌یابند، آگاهی یافته و نقش‌هایی را که به لحاظ اجتماعی تعریف شده، انجام می‌دهند. در حقیقت، زندگی افراد و هویت آنان به عنوان شهروند، به دلیل بقاء و دوام اجتماع بوده و ضرورتاً هویت اجتماع بر هویت افراد ارجحیت دارد. در این تفکر، شهروندی به معنای عضویت کامل در اجتماع و عمل به تعهدات و وظایف است که در قالب مشارکت اجتماعی و سیاسی در جامعه و حکومت تبلور می‌یابد، به گونه‌ای که افراد بدون اجبار و محدودیت با عمل به مسئولیت اخلاقی و وظایف اجتماعی، منافع خود و اجتماع را دنبال می‌کنند. در این برداشت، شهروندی علاوه بر مشارکت فعال در زندگی سیاسی، دربردارنده انتظاراتی چون تعهد و وفاداری به کشور، ملت و دولت، دفاع از میهن، اطاعت از قوانین، تسامح و مدارا با دیگران و نظایر آن نیز هست (اولفیلد، ۱۹۹۰؛ به نقل از نیازی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۶).

شوارتزمانتال (۲۰۰۳) در دفاع از رویکرد جمهوری خواهانه، آن را فراخوانی برای تقویت هویت مدنی و شهروندی مشترک می‌داند و خاطر نشان می‌سازد که اگرچه هویت ملی در ایجاد احساسات مشترک سیاسی یکی از عوامل اساسی است، اما این ملی‌گرایی مدنی است

که در ترغیب احساسات مربوط به شهروندی و هویت سیاسی مؤثر است. در این راستا وی با دعوت به تقویت سیاست‌های دموکراتیک در ایجاد نهادهای مدنی، احیای بستر مناسب جهت مشارکت افراد در جمهوری‌های جدید را توصیه می‌کند. بر خلاف اجتماع گرایان، تفکر لیبرالیستی فردگرا است، افراد اولویت هستی شناسانه، شناخت شناسانه و اخلاقی دارند و به عنوان موجود خودمختار و عقلانی تعریف می‌شوند. هویت شهروندی در این رویکرد به این دلیل ارزشمند است که با اعطای حقوق به افراد، فضای لازم را برای دنبال کردن منافع فردی و آزادی‌های شخصی فراهم می‌آورد (نیازی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۶).

شهروندی موقعیتی است که در آن به حقوق فردی تأکید می‌شود که بر اساس آن جایگاه فرد در برابر دولت و سایر شهروندان تعریف می‌شود. این حقوق به افراد فرصت می‌دهد تا منافع شخصی خود را از طریق ابزارهای قانونی مثل انتخابات، تشکیل هیئت‌های پارلمانی و ... دنبال کنند (شیانی، ۱۳۸۱).

دیوید میلر نیز در بحث از هویت ملی، بر باورها و ارزش‌هایی تأکید می‌کند که اغلب، در عمیق‌ترین لایه‌های اذهان اجتماعی پنهان هستند. وی عناصر تشکیل دهنده هویت ملی را مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی می‌داند که بدان «منش ملی» نام داده و ترجیح می‌دهد از آن به عنوان فرهنگ عمومی مشترکی یاد کند، که دارای ارتباطات نزدیکی با فرهنگ شهروندی است (میلر، ۱۳۸۳: ۲۵).

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های اصلی

- بین هویت اجتماعی و پابندی به فرهنگ شهروندی ارتباط وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

- بین گرایش به هویت ملی و پابندی به فرهنگ شهروندی ارتباط وجود دارد.
- بین گرایش به هویت سیاسی و پابندی به فرهنگ شهروندی ارتباط وجود دارد.
- بین گرایش به هویت فرهنگی و پابندی به فرهنگ شهروندی ارتباط وجود دارد.
- بین گرایش به هویت جغرافیایی و پابندی به فرهنگ شهروندی ارتباط وجود دارد.

- بین گرایش به هویت تاریخی و پایبندی به فرهنگ شهروندی ارتباط وجود دارد.



روش تحقیق

پژوهش حاضر که با هدف بررسی ارتباط بین هویت اجتماعی و فرهنگ شهروندی در شهر تهران می‌باشد، از نظر نوع هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. روش تحقیق مورد استفاده میدانی است که از روشهای اسنادی نیز در مطالعات مقدماتی استفاده گشته است. تکنیک تحقیق پیمایش می‌باشد، البته در تحقیق حاضر از تکنیک مطالعات کتابخانه‌ای نیز استفاده شده است. ابزار جمع آوری داده‌ها پرسشنامه خود اجرا می‌باشد. جامعه آماری تحقیق کلیه شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر تهران می‌باشد که حجم نمونه‌ای ۶۰۰ نفره با استفاده از فرمول کوکران و بر اساس نمونه گیری خوشه‌ای و تصادفی انتخاب شدند. پس از گردآوری داده‌ها تجزیه و تحلیل آن‌ها با استفاده از نرم افزار آماری اس پی اس انجام گردید و در این رابطه برای آزمون فرضیات، تست‌های آماری متناسب با هر فرضیه بکار گرفته شد. ابزار تحقیق پرسشنامه محقق ساخته استفاده از رسانه‌های جمعی و پرسشنامه استاندارد شده فرهنگ سازمانی رابینز است. در این تحقیق از اعتبار صوری جهت اعتبار بخشی سنجش گویه‌ها استفاده گردید، بدین شکل که

پرسشنامه حاوی گویه‌ها توسط چند تن از اساتید جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت و نکات اصلاحی آنها در پرسشنامه قید گردید. برای سنجش میزان پایایی پرسشنامه نیز اقدام به محاسبه ضریب آلفای کرونباخ گردید و آلفای بالای ۰/۷ برای تمامی متغیرها به دست آمد.

یافته‌ها

آمار توصیفی

نتایج فراوانی متغیر جنس نشان می‌دهد که ۵۴/۵ درصد افراد مورد مطالعه مرد و ۴۵/۵ درصد دیگر رازن تشکیل داده‌اند. نتایج فراوانی متغیر وضعیت تأهل نشان می‌دهد که ۴۲ درصد افراد مورد مطالعه مجرد و ۵۸ درصد دیگر متأهل هستند. نتایج فراوانی متغیر سن نشان می‌دهد که ۰/۲۲ پاسخگویان ۱۸ تا ۲۰ سال، ۰/۱۹ پاسخگویان ۲۵ تا ۲۹ سال، ۰/۱۵ پاسخگویان ۳۰ تا ۳۵ سال، ۰/۱۷ پاسخگویان ۳۵ تا ۴۰ سال، ۰/۱۶ پاسخگویان ۴۰ تا ۴۹ سال، ۰/۸ پاسخگویان ۵۰ تا ۶۰ سال و ۰/۳ پاسخگویان ۶۰ سال به بالا هستند. یافته‌های نشان می‌دهد که در بین شاخص‌های هویت اجتماعی، هویت تاریخی دارای بیشترین میانگین (۳/۷۲) و هویت فرهنگی دارای کمترین میانگین (۳/۲۰) است. نمره کل هویت اجتماعی (۳/۴۵) می‌باشد. که نشان می‌دهد هویت اجتماعی بالاتر از متوسط و رو به زیاد است. یافته‌های نشان می‌دهد که در بین شاخص‌های پایبندی به فرهنگ شهروندی، مشارکت اجتماعی دارای بیشترین میانگین با (۳/۵۲) و بعد عام‌گرایی دارای کمترین میانگین با (۲/۹۹) است. نمره کل پایبندی به فرهنگ شهروندی (۳/۲۱) می‌باشد. که نشان می‌دهد پایبندی به فرهنگ شهروندی در سطح متوسطی است.

یافته‌ها

بررسی وضعیت نرمال توزیع داده‌ها (آزمون کلموگروف - اسمیرنوف)

برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک، پیش شرط‌هایی وجود دارد که عبارتند از: شرط نرمال بودن داده‌ها. جهت بررسی نرمال بودن عامل‌ها از آزمون تک نمونه‌ای کلموگروف - اسمیرنوف استفاده شده است.

داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند: H_0

داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند: H_1

جدول ۱- آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیرهای	هویت ملی	هویت سیاسی	هویت فرهنگی	هویت تاریخی	هویت دینی	فرهنگی شهروندی
مقادیر کلموگروف- اسمیرنوف	۲/۹۹	۳/۵۵	۲/۹۷	۳/۴۲	۲/۷۸	۲/۴۴
سطح معناداری (دو دامنه)	۰/۲۳	۰/۰۸	۰/۰۹	۰/۱۷	۰/۱۴	۰/۱۱

با توجه به جدول شماره ۴ می‌توان نتیجه گرفت که چون مقادیر سطح معناداری کلیه متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰,۰۵ هستند پس می‌توان گفت که این عامل نرمال بودن توزیع داده‌ها را می‌رساند و می‌توان در تحلیل فرضیه‌های پژوهش، آزمون‌های پارامتریک را بکار گرفت.

آزمون فرضیه‌ها

- بین هویت اجتماعی و ابعاد مختلف آن (هویت ملی، هویت سیاسی، هویت فرهنگی، هویت دینی و هویت تاریخی) با پابندی به فرهنگ شهروندی ارتباط وجود دارد. جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش مبنی بر ارتباط بین هویت اجتماعی و ابعاد مختلف آن (هویت ملی، هویت سیاسی، هویت فرهنگی، هویت دینی و هویت تاریخی) با پابندی به فرهنگ شهروندی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول ۲- همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

پایبندی به فرهنگ شهروندی		شاخص‌ها	نام متغیر
ضریب همبستگی	سطح معناداری		
۰/۳۲	۰/۰۰۰	هویت ملی	هویت اجتماعی
۰/۳۴	۰/۰۰۰	هویت سیاسی	
۰/۲۳	۰/۰۰۰	هویت فرهنگی	
۰/۳۶	۰/۰۰۰	هویت دینی	
۰/۳۹	۰/۰۰۱	هویت تاریخی	
۰/۳۴	۰/۰۰۰	میزان کل هویت اجتماعی	

یافته‌ها حاکی از آن است که بین تمامی ابعاد هویت اجتماعی و همچنین میزان کل آن با پایبندی به فرهنگ شهروندی در شهر تهران رابطه مثبت، مستقیم و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین هویت تاریخی و پایبندی به فرهنگ شهروندی دارای بیشترین ضریب همبستگی ($P=0/39$) و رابطه بین هویت فرهنگی و پایبندی به فرهنگ شهروندی دارای کمترین ضریب همبستگی ($P=0/23$) است.

همچنین بین هویت ملی ($P=0/32$)، هویت سیاسی ($P=0/34$) و هویت دینی ($P=0/36$) با پایبندی به فرهنگ شهروندی ارتباط مثبت و معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان استدلال کرد که هر چه میزان هویت اجتماعی ($P=0/34$) و ابعاد آن بیشتر شود میزان پایبندی به فرهنگ شهروندی از دیدگاه شهروندان شهر تهران بیشتر می‌شود و بنابراین تمامی فرضیه‌های پژوهش حاضر تأیید می‌شوند.

تحلیل رگرسیونی

سهم هریک از متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته به چه میزان است؟

جدول ۳- آزمون رگرسیون چندگانه

DW	F	R ²	R	Tol	VIF	sig	t	β	B	متغیرهای پیش بین
۱/۸۸	۲۱/۹۵	۰/۳۲	۰/۵۷	۰/۷۸۳	۱/۲۶	۰/۰۰۳	۲/۹۲	-	۰/۲۹۱	مقدار ثابت
				۰/۸۴۶	۲/۲۵	۰/۰۰۰	۳/۴۷	۰/۳۶۴	۰/۴۰۴	هویت تاریخی
				۰/۷۷۱	۰/۱۸۵	۰/۰۰۰	۳/۹۰	۰/۳۰۳	۰/۴۴۱	هویت دینی
				۰/۷۷۱	۱/۴۲	۰/۰۰۰	۳/۵۲	۰/۲۹۲	۰/۲۳۰	هویت سیاسی
				۰/۲۷۱	۱/۷۴	۰/۰۰۱	۲/۸۸	۰/۲۷۴	۰/۳۲۱	هویت ملی
				۰/۲۵۱	۱/۸۶	۰/۰۰۲	۲/۷۶	۰/۲۲۰	۰/۲۸۶	هویت فرهنگی

متغیر وابسته: پایداری به فرهنگ شهروندی

جهت بررسی بهترین تبیین کننده پایداری به فرهنگ شهروندی، از رگرسیون چندگانه استفاده شد. بنابراین یک مدل به شرح جدول فوق تشکیل شده است که در آن متغیر ملاک پایداری به فرهنگ شهروندی و متغیر پیش بین مولفه‌های هویت اجتماعی می‌باشند. در مدل تشکیل شده، آماره دورین واتسون در وضعیت مناسب قرار دارد. همچنین تحلیل واریانس رگرسیون که نشان دهنده استقلال خطاهاست، برای تمامی مدل معنادار و برابر ۲۱/۹۵ می‌باشد. همچنین عدم همخطی چندگانه توسط دو شاخص عامل تورم واریانس و تولرانس مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که مقادیر عامل تورم واریانس و تولرانس در پائین‌تر از دامنه مشخص شده (مقادیر کمتر از ۱۰ شاخص عامل تورم واریانس و مقادیر کمتر از ۱ برای شاخص تولرانس، برای تشکیل مدل مناسب می‌باشند) می‌باشند. بنابراین هم خطی میان میان متغیرهای مستقل وجود ندارد. با عنایت به مجموع بررسی‌های انجام شده، می‌توان تناسب داده‌ها را برای اجرای مدل رگرسیونی مناسب و نتایج به دست آمده را معتبر دانست. بنابراین، متغیرهای پیش‌بین به عنوان متغیرهای توجیه کننده پایداری به فرهنگ شهروندی معرفی

می شوند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تمامی مولفه‌های مدل، دارای مقادیر t بیشتر از ۲ و مقدار سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ هستند. بنابراین این متغیرها پیش بینی کننده پایبندی به فرهنگ شهروندی هستند. در این مدل قویترین پیش بینی کننده، متغیر هویت تاریخی است که مقدار تاثیر آن برابر ۰/۳۶۴ می‌باشد ($\beta=0.364$). لازم به ذکر است که همبستگی چندگانه متغیرهای پیش بین با پایبندی به فرهنگ شهروندی نسبتاً بالا ($R=0.57$) است. همچنین متغیرهای پژوهش به طور کلی توانسته‌اند به میزان ۰/۳۲ تغییرات متغیر پایبندی به فرهنگ شهروندی را تبیین معنادار کنند ($R^2=0.32$).

نتیجه گیری

همان طور که ذکر شد امروزه دیگر بحث از شهروندی محض نیست و فرهنگ شهروندی نیز مورد توجه قرار دارد. فرهنگ شهروندی متأثر از سازهای انسان ساخت و جمعی است که الزاماتی را در قالب ارزش‌ها و هنجارها به زندگی انسانی وارد ساخته است، این الزامات اگرچه در طول تاریخ یکسان نبوده‌اند، ولی سیر تاریخی مفهوم فرهنگ شهروندی نشان دهنده ی وابستگی معنا و مصداق فرهنگ به ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهروندی بوده است. بر این مبنا، احساس تعلق به یک جامعه نتیجه عناصر عینی و ذهنی تشکیل دهنده هویت فرد است که با ارجاع به مفهوم، می‌توان «شهروندی» مؤلفه‌های آن را شناسایی کرد. با توجه به اهمیت بحث از فرهنگ شهروندی و ارتباط هویت اجتماعی با آن، پژوهش حاضر به دنبال بررسی ارتباط بین هویت اجتماعی و فرهنگ شهروندی در شهر تهران می‌باشد. برای دستیابی به این هدف به تحلیل و بررسی ارتباط بین هویت اجتماعی در ابعاد مختلف هویت فرهنگی، هویت سیاسی، هویت دینی، هویت تاریخی و هویت ملی با پایبندی به فرهنگ شهروندی در بین ۶۰۰ نفر از شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر تهران پرداخته شد. یافته‌ها حاکی از آن است که بین تمامی ابعاد هویت اجتماعی و همچنین میزان کل آن با پایبندی به فرهنگ شهروندی در شهر تهران رابطه مثبت، مستقیم و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین هویت تاریخی و پایبندی به فرهنگ شهروندی دارای بیشترین ضریب همبستگی ($P=0.39$) و رابطه بین هویت فرهنگی و پایبندی به فرهنگ شهروندی دارای کمترین ضریب همبستگی ($P=0.23$) هستند.

همچنین بین هویت ملی ($P=۰/۳۲$)، هویت سیاسی ($P=۰/۳۴$) و هویت دینی ($P=۰/۳۶$) با پابندی به فرهنگ شهروندی ارتباط مثبت و معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان استدلال کرد که هر چه میزان هویت اجتماعی ($P=۰/۳۴$) و ابعاد آن بیشتر شود میزان پابندی به فرهنگ شهروندی از دیدگاه شهروندان شهر تهران بیشتر می‌شود و بنابراین تمامی فرضیه‌های پژوهش حاضر تأیید می‌شوند. یافته‌های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین هویت و فرهنگ شهروندی با یافته‌های پژوهش‌های نیازی و دیگران (۱۳۹۳)، شاه طالبی و دیگران (۱۳۸۹)، گروسمن (۲۰۰۰) و جانوسکی و همکاران (۲۰۰۲) همخوانی دارد. نیازی و همکاران و همچنین شاه طالبی و دیگران (۱۳۸۹) در نتایج خود به ارتباط بین هویت اجتماعی با فرهنگ شهروندی دست یافتند. نتایج پژوهش جانوسکی و همکاران بیانگر آن است که شهروندی از یک سو به شهر با هویت شهری تعلق دارد و از دیگر سو با هویت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی رابطه مستقیم دارد. کر و کلیور نیز معتقدند شهروندی و تربیت شهروندی تحت تأثیر مؤلفه‌هایی چون هویت و تعلق ملی و محلی، قرار می‌گیرد.

منابع

- ۱- احمدی، سید احمد. (۱۳۸۲). پوشش حمایتی نظام حقوقی ایران برای بیکاران. فصلنامه الهیات و حقوق. شماره ۹ و ۱۰.
- ۲- ارمه، گی. (۱۳۷۶). فرهنگ دموکراسی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: انتشارات ققنوس
- ۳- ایمان، محمد تقی. کیدقان، طاهره. (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان (مطالعه موردی زنان شهر شیراز). فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س). سال دوازدهم، شماره ۴۴ و ۴۵. زمستان ۸۱ و بهار ۸۲.
- ۴- بلومر، هربرت. (۱۳۷۳). جورج هربرت مید، آینده بنیانگذاران جامعه‌شناسی. ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: نشر قومس، چاپ اول.
- ۵- پورعزت، علی اصغر و دیگران. (۱۳۸۸). رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخگویی و شفافیت سازمانها. فصلنامه رفاه اجتماعی. سال دهم. شماره ۳۸.

- ۶- جنکینز، ریچارد. (۱۳۹۱). هویت اجتماعی. ترجمه تورج یار احمدی، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- ۷- حسام، فرحناز. (۱۳۸۱). هویت شهروندی. اندیشه و پژوهش. سال پنجم. شماره ۵۱.
- ۸- دیلینی، تیم (۱۳۹۰). نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی. تهران: نشر نی.
- ۹- شاه طالبی، بدری و دیگران. (۱۳۸۹). تدوین مولفه‌های فرهنگ شهروندی در حیطه‌های هویت ملی و جهانی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار سال چهارم، شماره ۲، تابستان.
- ۱۰- شیان، ملیحه. (۱۳۸۱). تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان. مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران. شماره ۳.
- ۱۱- شیان، ملیحه و داودوندی، طاهره. (۱۳۸۹). تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان. فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. شماره ۵۰.
- ۱۲- علیخانی، علی اکبر. (۱۳۸۶). هویت فرهنگی ایرانیان و عقب ماندگی، یک بررسی علی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات دانشگاهی.
- ۱۳- فرجی، امین. (۱۳۸۹)، تحلیلی بر مفهوم کیفیت زندگی شهری. مجموعه مقالات دومین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا، دانشگاه تهران.
- ۱۴- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (جلد ۱، ظهور جامعه شبکه‌ای)، ترجمه‌ی احد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان، ویراسته‌ی علی پایا، تهران: انتشارات طرح نو.
- ۱۵- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۰). جهانی شدن و بحران هویت. فصلنامه ملی سال سوم، شماره ۱۰ (صفحه ۱۴ - ۲۰).
- ۱۶- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). پیامدهای مدرنیته. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: مرکز.
- ۱۷- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.

- ۱۸- محمدی، علی و امیری، یاسر. (۱۳۹۲). شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر پذیرش نوآوری فناوری اطلاعات در سازمان‌های دولتی با رویکرد مدل یابی معادلات ساختاری.
- ۱۹- محمدی، محمدعلی و دیگران. (۱۳۸۹). عوامل مرتبط با هویت شهروندی در شهر تهران. رفاه اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۳۸.
- ۲۰- مهدوی، سیدمحمدصادق و عاشوری، علی. (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر ارتقاء فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهر بوشهر). مقاله ۲، دوره ۶، شماره ۴، پاییز.
- ۲۱- نیازی، محسن و دیگران. (۱۳۹۳). تبیین رابطه بین هویت‌های سه گانه فردی، اجتماعی و ملی با میزان پایبندی شهروندان به فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران در سال ۱۳۹۳). مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره چهارم، پاییز.
- ۲۲- هاشمیان فر، سیدعلی و عجمی، شهرزاد. (۱۳۹۱). بررسی فرهنگ شهروندی ساکنان بافت حاشیه ای شهر اصفهان. مطالعات جامعه شناختی شهری (مطالعات شهری)، دوره ۲، شماره ۳.
- ۲۳- هزارجریبی، جعفر و امانیان، ابوالفضل. (۱۳۹۰). آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن. مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۹، تابستان. مدیریت فناوری اطلاعات، دوره ۵، شماره ۴، زمستان.
- 24- Grossman D. (2000), the global and the local in partnership: Innovative approaches to citizenship education. Paper presented at the sixth Unesco-Aceid, international conference on education, Bangkok, Thailand.
- 25- Janoski, T (1998). *citizenship and civil society*, Cambridge university press.
- 26- Janoski. T, Gran B (2002), Political citizenship: foundations of rights, handbook of citizenship studies, Sage publications, New Delhi, 13-53.
- 27- Lee, W, O. (1999), Qualities of Citizenship for the new century: Perception of Asian Educational Leaders. Paper Presented at the Fifth UNESCOACEID International Conference on Reforming Learning, Curriculum
- 28- Middleton, J. (2011), Citizenship toolkit Provides much needed support, URL: <http://www.Enrich UK. Net news/ article/ 30>.